

ابن سینا و کاکویان

دکتر حسین میرجعفری
استاد تاریخ دانشگاه اصفهان

چکیده:

ابوعلی سینا قریب پانزده سال از آخرین سالهای حیات پرتکاپوی خویش را در اصفهان، در دربار علاء الدوله کاکویه محمد بن رستم دشمنزار سپری کرد و ضمن اشتغال به فعالیت های علمی در سفر و حضر هم نشین علاء الدوله بود. ابوعلی سینا فراغت لازم را در اصفهان به دست آورد تا به تألیف و تدریس نظرات و یافته های خویش بپردازد. معاشرت و مشاورت شیخ با علاء الدوله تا حدی بوده است که برخی وی را وزیر او به شمار آورده اند. ابوعلی کتاب معروف دانشنامه علائی را در اصفهان به نام علاء الدوله به رشته تحریر درآورد و در آن وصول به همه کامهای خویش را از ایمنی و بزرگی و شکوه و کفایت و پرداختن به علم را در سایه حمایت های او ذکر می کند. شیخ چندسالی قبل از علاء الدوله وفات یافت و محل وفات او را همدان نوشته اند. لیکن برخی ادعا می کنند که ابن سینا در اصفهان درگذشت و در همان شهر به خاک سپرده شد.

کلید واژه ها:

ابوعلی سینا، علاء الدوله کاکویه، همدان، اصفهان، کاکویان، دانشنامه علائی، شمس الدوله دیلمی،

تاج الملک

حجه الحق شیخ رئیس، ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا پس از تولد در قریه افشنه نزدیک بخارا، تحصیلات خود را در بخارا آغاز کرد و پس از اقامت چندی در گرگان و تألیف آثار به همدان رفت و سپس قریب پانزده سال از آخرین حیات پر تکاپوی خویش را در اصفهان در دربار علاء الدوله کاکویه محمد بن رستم دشمنزار سپری کرد و در فاصله سنوات ۴۰۶ تا ۴۱۱ق/ ۱۰۱۵ تا ۱۰۲۰م چندی وزارت شمس الدوله دیلمی حاکم همدان (۳۸۷ق تا ۴۱۲ق/ ۹۹۷م تا ۱۰۲۱م) را برعهده گرفت. با این حال در طی این مدت نیز از تحقیق و تألیف غافل نبود و لحظه‌ای نیاسود. تا آنکه با شورش سپاهیان از ورازت کناره گرفت.

در سال ۴۱۱ق/ ۱۰۲۰م شورش ترکان همدان علیه شمس الدوله دیلمی، موجب گردید که تاج الملک کوهی که در این سال وزیر شمس الدوله بود، از علاء الدوله کاکویی فرمانروای اصفهان کمک طلبد، بیاری علاء الدوله شورش ترکان، سرکوب شد، گویا در همین زمان فرصت آشنایی شیخ با علاء الدوله دست داد. چندی نگذشت که شمس الدوله درصدد سرکوبی امیرطارم برآمد، ولی در راه بیمار شد و در نیمه راه بازگشت به همدان چشم از جهان فروبست. پس از وفات شمس الدوله امیرکاکویی از ابن سینا خواست، تا به او ملحق شود، از طرفی چون سماء الدوله جانشین پدرش گردید، لشکریان وزارت شیخ را خواستار شدند.^۱ شیخ در منزل ابوطاهر [ابوغالب] عطار فرود آمده مخفی شد.^۲

بگفته جوزجانی، بوعلی در این زمان نهانی باب مکاتبه با علاء الدوله را گشود، تاج الملک وزیر، او را به اتهام این مکاتبه بازداشت نموده و در قلعه فردجان (=نردوان) - واقع در ناحیه فراهان کنونی - زندانی کرد، مدت حبس ابن سینا چهارماه بطول انجامید و در خلال این مدت کتاب «الهدایه» و رساله حی بن یقظان و کتاب «قولنج» را تألیف کرد، در سال ۴۱۴ق/ ۱۰۲۳ م علاء الدوله کاکویه، بار دیگر به همدان لشکر کشید و بر همدان و سایر نواحی جبال مسلط شد. وی که در تعقیب تاج الملک، قلعه فردجان را در محاصره گرفته بود، پس از محاصره قلعه شیخ را آزاد نموده به همدان بازآورد و شیخ در منزل علوی^۳ از بزرگان همدان اقامت گزید.^۴ تاج الملک در اثنای این حال، شیخ را به مواعید نیک دلگرم می‌داشت تا آنکه او مخفیانه متوجه اصفهان شد.

۱ - بگفته قفطی وی دو بار به وزارت شمس الدوله رسیده است. (اخبار العلماء والحکما/ ۵۶۳).

۲ - میرخواند؛ روضه الصفاح، ۴۶۸/۷ ایضاً مقدمه دانشنامه علایی؛ به تصحیح احمد خراسانی، ص (بط).

۳ - وی امیرابوالفضل، حسین از علویان همدان بود. از فرزندان او بعدها جماعتی به اصفهان آمده، دودمان سادات گلستانه اصفهان را بنا نهاد. س.ک: ادکاتی؛ فرمانروایان گمنام/ ۱۸۴)

۴ - قفطی؛ پیشین، ۴۲۱ ترجمه فارسی / ۵۶۴ ایضاً خواند میر؛ حبیب السیر، چاپ خیام، ج ۴۴/۲.

ابن سینا در دربار اصفهان

تاریخ عزیمت بوعلی از همدان به اصفهان و پیوستن او به خدمت علاء الدوله در هیچی از منابع تصریح نشده است لکن از قرائن چنین مستفاد می‌شود که در سال ۴۱۴ ق/ ۱۰۲۳ م اتفاق افتاده است. زیرا علاء الدوله در این سال بر همدان غلبه کرد و شیخ را از زندان آزاد کرده به همدان برد.^۱ جوزجانی می‌گوید مدتی بر این حال بگذشت و شیخ را رغبت رفتن به اصفهان و پیوستن به علاء الدوله در خاطر مذکور می‌بود. تا آنکه هنگام فرصت، شیخ و برادرش و من و دو غلام در ذی صوفیه متوجه اصفهان شدیم. تا به قریه طیران^۲ رسیدیم، که بر در اصفهان واقع است و در طول راه سختی بسیار کشیده بودیم « یاران شیخ و ندیمان و خواص علاء الدوله به استقبال شیخ آمده و جامه‌ها و مرکب آوردند و او را با اعزاز و اکرام تمام در محله‌ای که به «کون گنبد» معروف است در خانه عبدالله بن بابی اقامت دادند و جمیع مایحتاج وی را فراهم کردند.»^۳

بدین ترتیب شیخ در آخرین سالهای حیات خود، فراغت اشتغال به تألیف و تدریس نظرات و یافته‌های خویش را در اصفهان بدست آورد و در محضر علاء الدوله کاکویه، احترامی تمام یافت. محبت و ارادتی که علاء الدوله در حق او نشان داد، به شیخ مجالی داد تا کتاب شفا را که - شاید بتوان مشهورترین اثر او نامید- در همدان به تصنیف آن آغاز کرده بود، به اتمام آورد و به تصنیف کتابهای دیگری دست زد، که ظاهراً کتاب الاشارات و تنبیهات او جزء آخرین آنهاست. در چهارده سال آخر عمر، که شیخ غالب آن را در صحبت و ملازمت علاء الدوله بسر می‌برد، قسمتی از اوقات او صرف تدریس و تألیف و قسمتی هم صرف مجالست با علما و بزرگان عصر می‌شد و در این مدت چنان حرمت و حشمتی در دستگاه پسر کاکویه پیدا کرد، که حتی در سفرهای جنگی هم از ملازمین او بود.

در فهرستی که اخیراً از آثار ابوعلی سینا تهیه شده ۲۴۲ عنوان ذکر شده است.^۴ تنوع این عناوین نشان می‌دهد که وی نمونه درخشان افرادی است که در قرون وسطی جامع علوم و معلومات زمان خویش بوده اند با آنکه یکبار در یورش سپاهیان عزنوی کتابخانه او در اصفهان بغارت رفت، با این حال تنها حکیم بزرگی است که تقریباً تمام آثارش باقی مانده است، بوعلی به جز فلسفه، حکمت، طب و منطق، رسالاتی در موسیقی، ریاضیات، علم لغت و نجوم تألیف کرد. جوزجانی می‌گوید کتابی در علم لغت بنیان نهاد و آن را «لسان العرب» نام نهاد، اما اجل فرصت تدوین آن کتاب

۱ - صفا؛ ذبیح الله؛ جشن نامه ابن سینا/ ۳۱-۲۸.

۲ - طیران (= طهران، تیران) لشکرگاه سابق اعراب بین تمیمی و زادگاه مولانا ابوبکر طهرانی، مؤلف کتاب دیار بکر، قریه‌ای است در حدود ۸ فرسخی غرب اصفهان در بخش سفلی دشت کرون و دیگری در حدود ۳ فرسخی اصفهان در همان مسیر که امروزه به تیرانچی اشتهار دارد گویا قریه نخستین مورد نظر است، با این حساب شیخ از طریق گلپایگان و گردنه خوانسار و دشت کرون خود را مخفیانه به اصفهان رسانده است.

۳ - قفطی؛ اخبار العلما و الحکما، ترجمه فارسی/ ۵۶۵.

۴ - فرای، ریچارد؛ بخارا در قرون وسطی، ترجمه محمود محمودی/ ۱۵۳ ایضاً صفا، ذبیح الله؛ تاریخ ادبیات ایران، پیشین/ ۸۲ نامبرده مجموع آثار ابن سینا را ۲۳۸ عنوان می‌داند جهت اطلاع کامل رک: ادوارد براون؛ تاریخ ادبیات ایران، ترجمه فارسی، حواشی مترجم/ ۷-۲۸۵.

را به او نداد. با آنکه بو علی در جریان لشکرکشیها و جنگ و گریزهای پسر کاکویه اصرار در همراهی وی داشت، لحظه‌ای از تألیف غفلت نکرد. چنانکه کتاب «نبات و حیوان» را در حین سفر علاء الدوله به شاپور خواست، در طول راه نگاشت و در خلال همین سفر جنگی، کتاب «نجات» را تألیف کرد.

چون مقارن همین زمان، خللی در تقویم پیش آمده بود، به توصیه امیرکاکویی، اقدام به اصلاح آن کرد و با هزینه او، شیخ به جمع‌آوری آلات رصد پرداخته و جوزجانی را به سرپرستی آن گماشت، لکن به سبب سفرهای علاء الدوله فرصت امر رصد معوق ماند، با این حال ابوعلی سینا طول جغرافیایی چندین شهر را تصحیح کرد.^۱ اما عمده اشتها او را باید در آثاری چون «قانون» و «شفا» جستجو کرد، آثاری که موجب گردید اروپائیان او را به لقب «جالینوس ثانی» و «فیلسوف وجود» بخوانند.^۲

معاشرت و مشاورت شیخ با علاء الدوله کاکویه محمد بن رستم، تا حدی بوده است که برخی وی را وزیر ابن کاکویه به شمار آورده اند. قول نه چندان معتبر صاحب چهارمقاله، در باب برنامه روزانه بو علی در این ایام چنین است که: «خواجه بو علی اندرین حالت وزیر بود و شاهنشاه علاء الدوله محمد بن دشمنزار، بر وی اقبال داشت. و جمله ملک در دست او نهاده بود، و کلی شغل برأی و تدبیر او بازگذاشته و الحق بعد از اسکندر، که ارسطاطالیس وزیر او بود هیچ پادشاه چون ابوعلی وزیر نداشته بود. و در این حال که خواجه بوعلی وزیر بود. هر روز پیش از صبحدم برخاستی و از کتاب شفا دو کاغذ تصنیف کردی، چون صبح صادق بدمیدی، شاگردان را بار دادی، چون کیارثیس بهمینار و ابومنصور زیله و عبدالواحد جوزجانی و سلیمان دمشقی و من که باکالیجارم(؟) تابوقت اسفار(= روشنایی روز) سبقها(= باقیمانده کتاب) بخواندیمی و در پی او نماز کردیمی و تا بیرون آمدمانی (می‌آمدیم)، هزار سوار، از مشاهیر و معارف و ارباب حوائج و اصحاب عرائض بر در سرای او گرد آمده بودی، خواجه بر نشستی و آن جماعت در خدمت او رفتندی، چون به دیوان رسیدی، سوار دوهزار شده بودی، پس بدیوان تا نماز پیشین بماندی و چون بازگشتی بخوان آمدی، جماعتی با او نان بخوردندی، پس بقیلوله(= خواب نیم روز) مشغول شدی» وی پس از نماز بقیه اوقات را تا نماز عصر، نزد علاء الدوله به رایزنی می‌پرداخت و «مقصود از این حکایت آن است که خواجه را هیچ فراغتی نبودی».^۳

بو علی دانشمندی پرکار، عالمی از تعصب به دور، آزادمش و متصف به عالیترین صفات انسانی بود، وی جامع‌ترین و منظم‌ترین و خوش‌بیان‌ترین عالمی است که تمدن اسلامی تا عهد حیاتش بخود دیده بود و بعد از او هم

۱ - فرای؛ بخارا در قرون وسطی/۱۵۳.

۲ - در کشورهای اروپایی دارای فرهنگ لاتینی، وی را آویسینا Avicenna (که به صورت اسپانیایی نام اوست) می‌خوانند (فرای؛ پیشین/۱۵۳)

۳ - نظامی عروضی سمرقندی؛ چهارمقاله، به تصحیح دکتر محمد معین، مقاله چهارم، حکایت/۸-۱۲۷.

چون علوم عقلی در تمدن اسلامی راه انحطاط پیمود، کسی بالا دست او در آن دانشها نیامد مگر در روشهای دیگران که اکنون در تفکر اسلامی مطرح نیست.^۱ هر چند بحث پیرامون اهمیت وی در تاریخ فلسفه و علوم انسانی از حوصله این مقال خارج است، با این حال نقشی را که او در دوره اقامتش در اصفهان، در ادب پارسی به جای گذاشت نمی‌توان مسکوت گذاشت. با آنکه در قرون چهارم و اوایل قرن پنجم هجری نوشتن کتابهای علمی به زبان فارسی دری تازه آغاز شده و هنوز این زبان چنانکه باید آماده بیان مقاصد علمی نگردیده بود. ابن سینا از تألیف و تصنیف بدین زبان غافل نماند و در جمع‌آوری و احیاناً ایجاد اصطلاحات علمی و فلسفی بزبان مادری خود پیشرو نویسندگان بعدی ایران گردید.^۲

بخواش امیرعلاء الدوله کاکویه، بوعلی در اصفهان دو کتاب به زبان فارسی نوشت، که یکی دانشنامه علائی و دیگری رساله‌ای پزشکی در باب نبض و ضربان آن می‌باشد. ابن سینا تنها فرصت نگارش منطق، طبیعیات و الهیات کتاب شفا را یافت و بعد از او شاگردش ابو عبید جوزجانی قسمت ریاضی کتاب شفا را به تلخیص بر آن افزود. ترجمه و شرح رساله حی بن یقظان نیز گویا توسط همین ابو عبید جوزجانی به زبان فارسی صورت گرفت. این رساله از آثار تمثیلی عرفانی شیخ رئیس بوعلی سیناست، که داستان آن را شیخ در قلعه فردجان نوشته بود و در آن شرح حال پیری از اهل بیت المقدس بنام حی بن یقظان آمده است. مراد از این حی بن یقظان اشاره به عقل فعال است که صوفی زاهد را در وصول به حق یآوری می‌کند. حی بن یقظان، بوصیت پدر به گردش در بلاد مبادرت جست و یقظان مفتاح همه علوم را به پسر داده بود حی نویسنده کتاب را با خود به سیاحت عالم برد. نخست او را به چشمه‌ای عجیب، نظیر چشمه حیات که در داستان اسکندر می‌بینیم راهنمایی کرد. که هرکس از آن چشمه می‌نوشید از بیابانهای سخت و کوههای بلند می‌توانست گذشت. این چشمه در آن سوی ظلمات و در بیابانی روشن و نورانی واقعست (یعنی فلسفه در آنسوی جهل) سپس از دو قسمت عالم، عالم ماده و عالم معنی، وطی مراحل و وصول به حق به طریق رمز سخن رفته و این بحث با بیانی شیرین به وصف واجب الوجود ختم شده است. ترجمه و شرح فارسی این کتاب به امر علاء الدوله کاکویه و در دربار او انجام گرفت و مترجم و شارح آن ظاهراً یکی از شاگردان شیخ و بنا به عقیده بعضی ابو عبید جوزجانی است.^۳ اگرچه لغت عربی در آن کم نیست، لکن مفردات کهن و ترکیبات قدیم فارسی نیز در آن فراوان است و چنانکه از مقدمه آن برمی‌آید تاریخ تألیف آن باید پیش از ۴۲۸ق/۱۰۳۶م باشد و به هر حال این تاریخ نمی‌تواند از تاریخ ۴۳۳ق/۱۰۴۱م یعنی تاریخ فوت علاء الدوله کاکویه متأخر باشد.

۱ - فرای؛ پیشین/۱۵۲، صفا، ذبیح الله؛ پیشین/۸۶

۲ - صفا؛ پیشین/۸۶

۳ - صفا؛ ذبیح الله، پیشین/۱۵۸

و اما دانشنامه‌ی علایی با وجود حجم کم، از این روی که حاوی خلاصه حکمت بوعلی در آخر عمر اوست و یکی از قدیمترین کتب نثر فارسی است.^۱ از اهمیت زیادی برخوردار است. بوعلی در کتاب دانشنامه‌ی علایی چنین سخن آغاز کرده است: «سپاس و ستایش مر خداوند آفریدگار و بخشاینده خرد. را و درود بر پیغمبر برگزیده وی محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم و بر اهل بیت و یا یاران وی. فرمان بزرگ از خداوند ما، ملک عادل موید منصور، عضد الدین علاء الدوله و فخر المله و تاج الاثمه، ابوجعفر محمد بن دشمنزیار مولی امیرالمؤمنین کی زندگانش دراز باد و بخت پیروز و پادشاهیش بر افزودن آمد. به من بنده و خادم درگاه وی، که یافته ام اندر خدمت وی همه کامهای خویشتن از ایمنی و بزرگی و شکوه و کفایت و پرداختن به علم و نزدیک داشتن. کی باید مر خادمان این مجلس بزرگ را کتابی تصنیف کنم بیارسی دری، کی اندر وی اصلها و نکته های پنج علم از علمهای حکمت پیشینگان گرد آورم بغایت مختصر...»

از ستایشی که شیخ در مقدمه دانشنامه علایی و همچنین در رساله نبضیه (= رگ شناسی) درباره ابوجعفر علاء الدوله دارد، پیداست که دوستی و حمایت او شیخ را باید از هر حیث آسوده خاطر و برای ایجاد آثار ارزنده ای که نام پسر کاکو هم در ضمن برخی از آنها دیرپای گردید آماده کرده باشد. با آنکه شیخ چندسالی قبل از علاء الدوله وفات یافت (۴۲۸ق/ ۱۰۳۶م) نام علاء الدوله مخصوصاً بوسیله او از فراموشی رهایی یافت و حاصل میراث فلسفی یونانی-اسلامی در این دایرة المعارف کوچک فلسفی با نام این امیر دیلمی [= باوندی] به فارسی زبانان و فارسی خوانان عاید گشت.

این حقیقت که ابن سینا اثری به فارسی نوشته این نکته مهم را ثابت می کند که: اگر چه در سده های چهارم و پنجم هجری/ دهم و یازدهم میلادی شعر ابزار اصلی احیاء ادب فارسی است، اما نثر نیز نقش خود را ایفا می کرد. مردانی که به اندازه ای که ابن سینا به تمدن اسلامی در منطقه ایرانی این تمدن اثر گذاشت، بر تمدن و تاریخ آینده آن اثر گذاشته باشند، بسیار اندک می باشند، وی با انتشار دانشنامه به زبان فارسی نخستین کسی است که در صدد برآمده فلسفه مشایی را به فارسی بنویسد، همچنین گروه کاملی از شاگردان لایق تربیت کرد که تعالیم وی را به نیمه دوم سده پنجم هجری انتقال دادند و در میان بزرگترین شاگردان ابن سینا باید از جوزجانی نام برد که برخی از آثار استادش را تکمیل کرد و تا پایان حیات بوعلی در خدمت وی بوده است. از دیگر شاگردان ابن سینا یکی ابوالحسن بهمینار مرزبان (متوفی ۴۵۸ق/ ۱۰۶۵م) و از زرتشتیان آذربایجان بود که در جبال به او پیوست و صاحب کتاب التحصیل است و دیگر ابوعبدالله معصومی که به عنوان برترین شاگرد پورسینا از احترام زیاد برخوردار بود و ابوعلی سینا درباره اش گفته بود که وی در نزد من بدان مقامی است که ارسطو را در نزد افلاطون بود. گویند ابوعبدالله به دستور محمود

۱ - ایضاً رساله معراجیه را بخوایش یکی از دوستان به فارسی نوشت و در آن اثبات کرد که معراج روحانی است نه جسمانی.

غزنوی در ری به دار آویخته شد. و بالاخره ابن زیله که بر باطنی‌ترین آثار و رسالات استاد تقریظهایی نوشته است مردانی نظیر خیام ولوکری از طریق دانشمندان فوق الذکر شاگردان نسل دوم ابن سینا بوده اند بدینسان شیخ از طریق آثار و شاگردانش تفوق و سلطه‌ای دیرپا در حیات فکری ایران و اسلام باقی گذاشت.^۱

با آنکه بوعلی در اصفهان عمده تکاپویش در تألیف و تربیت نسلی متفکر و حشر و نشر با آنان سپری شد. شخصیت علمی او چنان بر تختگاه کاکویان سایه افکند که هنوز عامه مردم محل تدریس این فیلسوف شهیر عصر کاکویی، یعنی قبه و مدرسه وی در بابلدشت اصفهان (= کوی در دشت امروزی) را به نام او علی سینا می‌خوانند. طولانی‌ترین دوره آرامش نسبی زندگی ناآرام ابن سینا، غیر از آشفتگیها و نگرانیهایی که گهگاه وی را دل مشغول می‌داشت سالهایی بود که او در اصفهان در دربار علاء الدوله گذراند اما حتی رشته این آرامش کوتاه نیز، با حمله مسعود پسر محمود غزنوی به اصفهان ناگهان از هم گسست. بوعلی در مواجهه علاء الدوله کاکویه و تاش فراش ملتزم رکاب وی بود و به قولنج شدیدی مبتلا گردید و حرکت سریعی که در صحبت علاء الدوله بسوی ایذج نمود. شیخ را صرعی که احياناً ناشی از قولنج بود عارض شد. لکن معالجات نتیجه نداد. بوعلی که بیشتر به کیفیت عمر می‌اندیشید تا کمیت آن، و نیروهایش را بسیار آزادانه و مسرفانه خرج کرده بود، شمع حیاتش را به مراتب سریعتر از آنکه از مردی با نیروی جسمانی خارق العاده او انتظار می‌رفت سوزاند، و در سن پنجاه و هفت سالگی در شهر همدان چشم از جهان فرو بست. (۲۸ق/۱۰۳۶م) و گویند خود در باب عظمت و حقارتش اینگونه سرود که:^۲

از قعر گل سیاه تا اوج زحل	کردم همه مشکلات گیتی را حل
بیرون جستم زقید هر مکرو حیل	هر بند گشاده شد مگر بند اجل

شگفتا پاره‌ای از منابع مکتوب و خاورشناسان غربی که از انقراض سلاله‌های شمال شرق ایران و شکوه ایامشان با حسرت یاد می‌کنند، از سقوط دودمانهای ایرانی بخش باختری ایران چون دیالمه ری و کاکویان اصفهان که دربارشان پناهگاه نوابی امثال بوعلی سینا بود، کمتر ابراز تأسف کرده اند. این نگرش شاید تا اندازه‌ای باز تاب آن دسته از منابع معاصرین آنهاست که نسبت به دودمانهایی چون کاکویان که خاستگاهشان در میان توده مردم بوده و یا صیغه‌ای از تشیع داشتند، دشمنی ورزیده و از سقوطشان بگونه‌ای شادمانه سخن می‌گویند.^۳

۱ - زرین کوب؛ پیشین/۸-۳۷۷.

۲ - هنرفر، لطف اله، اصفهان، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ دوم/۸۴، ایضا هنرفر؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، انتشارات ثقفی، چاپ دوم/۴۷.

۳ - دانشنامه علایی، به تصحیح احمد خراسانی، مقدمه ایضا قفطی، پیشین/۵۷۰.

۴ - در باب اشعار منسوب به ابن سینا. رک؛ دکتر ذبیح الله صفا؛ پیشین/۸۴.

۵ - نگاه کنید به: ابن اثیر؛ ج ۹/۴۵۶ که می‌گوید شک ندارد اباجعفر کاکویه مرد فاسدالاعتقادی بود و از این روی ابن سینا اقدام به تصانیف خود در الحاد و رد بر شرایع در بلده او کرد.

منابع و مأخذ:

الف- منابع فارسی

- ۱- ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد؛ الکامل فی التاریخ، طبع بیروت، ج ۸، ۹، ۱۰، ۱۳۸۶ق.
- ۲- ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد؛ تاریخ کامل ایران و اسلام، ترجمه علی هاشمی حائری، جلد ۱۶، ۱۵، تهران، شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران، ۱۳۵۱ش.
- ۳- ابن سینا، ابوعلی حسین بن عبدالله؛ دانشنامه علائی، به تصحیح و تعلیق احمد خراسانی، طهران، کتابخانه فارابی، ۱۳۶۰.
- ۴- باسورث، کلیموند، ادموند؛ سلسله های اسلامی، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱.
- ۵- براون، ادوارد؛ تاریخ ادبی ایران، ج ۲، ترجمه و تحشیه و تعلیق علی پاشا صالح، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶.
- ۶- خواند میر، غیاث الدین هماد الدین؛ حبیب السیر با مقدمه جلال همائی، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران، خیام، ۱۳۶۳.
- ۷- زرین کوب، عبدالحسین؛ تاریخ مردم ایران، ج ۲، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- ۸- صفا، ذیح الله، جشن نامه ابن سینا، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۳۱.
- ۹- فرای، ریچارد؛ بخارا در قرون وسطی، ترجمه محمود محمودی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.
- ۱۰- قفطی، جمال الدین ابوالحسن؛ تاریخ العلماء والحکما (ترجمه) بکوشش بهین دارایی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.
- ۱۱- میرخواند، محمد بن خواند شاه؛ روضة الصفا، با مقدمه جواد مشکور؛ تهران، خیام، ۱۳۵۱.
- ۱۲- نظامی عروضی، سمرقندی؛ چهارمقاله، با حواشی و تعلیقات علامه قزوینی، به اهتمام دکتر محمد معین، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۸.
- ۱۳- هنر فر، لطف الله؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، اصفهان، انتشارات ثقفی، چاپ دوم، ۱۳۵۰.

ب- منابع به زبان خارجی

- 1- Amedroz, H.F. " The Sallari and Rawwadi Rulers Aderbeidjan J.R.A.S.1909.
- 2- Cataloge of Persian Manuscript in the British Museum part III, OR. 1920.